

بینامتنی قرآنی در رمان های تاریخی استبداد الممالیک ، ابومسلم الخراسانی جرجی زیدان

عسگر بابازاده اقدم^۱، ابراهیم نامداری^۲

^۱ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ، آذربایجان غربی، ایران
^۲ عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی و استادیار دانشگاه پیام نور ، ایران

چکیده

بینامتنی به عنوان یکی از موضوعات مهم نقد ادبی معاصر ، نظریه ای است که بیانگر ارتباط و تعامل متون با همدیگر است و یافتن این ارتباط می تواند مخاطب را به خوانشی نو از متون رهنمون سازد . از جمله این متون ، رمان های تاریخی جرجی زیدان پیشگام اصلی رمان تاریخی معاصر می باشد که به ویژگی مهم ارتباط با قرآن متمایز گشته اند . این امر آنگاه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد که بدانیم او یک نویسنده مسیحی است . روابط بینامتنی قرآن با این رمان ها بسیار هدفمند و جهت گیرانه بوده است ، به طوری که نویسنده این داستان ها با علم به قدرت تاثیر بیان قرآنی و حکمت ها و امثال آن ، آگاهانه آنها را در لابلاي مطالب داستان های خویش گنجانده است . با دسته بندی انواع بینامتنی در این داستان ها ، آنچه به دست می آید این است که اکثر قریب به اتفاق بینامتنی های موجود قرآنی آن از نوع نفی جزئی و متوازی است و به نظر می رسد بایستی علت آن را در نوع مخاطبان این داستان ها و هدف جرجی زیدان از تألیف این رمان ها جستجو کرد .

واژه های کلیدی: قرآن ، بینامتنی ، جرجی زیدان ، رمان تاریخی

۱- مقدمه

جرجی زیدان، روزنامه نگار، مورخ، ادیب و داستان نویس عرب در چهاردهم دسامبر ۱۸۶۱ م در "عین جنوب" از روستاهای بیروت دیده به جهان گشود. وی در پنج سالگی روانه مدرسه شد تا زبان انگلیسی و فرانسه را بیاموزد. او پس از یک سال تحصیل در رشته پزشکی بیروت در سال ۱۸۸۲ م لبنان را ترک و رهسپار مصر شد. در آنجا نیز مدتی پس از اداره نشریه "الزمان" در سال ۱۸۸۴ م در حمله مصر به سودان شرکت و در سال ۱۸۸۶ م سرپرستی مجله "المقتطف" و مدیریت مدرسه "العبیدیه" قاهره را بدست گرفت. او در سال ۱۸۹۲ م مجله "الهلال" را انتشار داد که تا سال ۱۹۱۴ م ادامه داشت. این مجله در طول انتشار خود شهرت جهانی کسب نمود و دارای مخاطبان زیادی بود. کارنامه علمی وی بسیار پر بار و آثار فراوانی از وی با موضوعات تاریخی به یادگار مانده است. او سرانجام در سال ۱۹۱۴ م در دفتر کار خویش درگذشت.

گفتنی است جرجی زیدان به دلیل سفرهای متعددی که به کشورهای مختلف اروپایی از جمله فرانسه، سوئیس و انگلستان داشت با مقایسه اوضاع علمی و فکری آن کشورها با جوامع عربی و مسلمان به صراحت بیان داشت که آموزش و اوضاع فکری در مسلمانان آن دوره بسیار ضعیف است. وی علت این پدیده را کم کاری حکومت های اسلامی و روشنفکران می دانست. (عبدالغنی حسن، ۱۹۷۰: ۴۲) جرقه های اقدام در زمینه رمان های تاریخی با موضوع اسلام و تاریخ آن، از این به بعد در ذهن او زده شد تا رختی را که در میان جوامع مسلمان نسبت به توجه به تاریخ گذشته خویش پدید آمده، اصلاح نماید.

۲- پیشینه تحقیق:

کثرت آثاری که با موضوعات مختلف از زیدان به یادگار مانده است همواره او را مورد توجه محافل علمی و ادبی قرار داده است. آثاری در قالب کتاب از جمله، "جرجی زیدان فی المیزان" شوقی ابوخلیل؛ "جرجی زیدان" محمد عبدالغنی حسن؛ "روایات جرجی زیدان؛ دراسة تاریخیة" عبدالجواد محمد المحمص و ... را می توان نام برد. در قالب مقاله نیز جایگاه جرجی زیدان در داستان نویسی معاصر عربی "دکتر خلیل پروینی و هومن ناظمیان، چاپ شده در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی و مقاله "رمان های تاریخی زیدان از منظر مکتب رمانتیسیم" هومن ناظمیان، چاپ شده در مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان و چندین مقاله دیگر از مولف گفتار حاضر قابل ذکرند. در مورد بینامتنی در آثار نویسندگان و شعرا نیز کتب و مقالات متعددی نوشته شده است که غالب آنها در مورد بررسی این نظریه در میان آثار نویسندگان مسلمان بوده است. اماتاکنون در مورد بینامتنی قرآنی در رمان های تاریخی جرجی زیدان، تحقیقی صورت نگرفته است. لذا به نظر می رسد مزیت گفتار حاضر در مسیحی بودن نویسنده این داستان ها و استفاده وی از آیات و مفردات قرآنی در داستان ها باشد. او با خلق این رمان ها توان و سطح آشنایی خود را با این منبع لایزال الهی، به خوبی به تصویر کشیده است.

با توجه به آنچه گفته آمد این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ سوال زیر است:

۱ - جرجی زیدان از الفاظ و معانی قرآنی چگونه بهره برداری کرده و نوع بینامتنی از کدام نوع می باشد؟

جرجی زیدان در طول سال های ۱۸۶۱ م تا ۱۹۱۴ م، بیست و دو رمان تاریخی را به رشته تحریر در آورد. (حمداوی، ۲۰۰۷: ۱۶) او هدف خویش را از ذکر حوادث این داستان ها، تشویق مخاطبان به مطالعه بیان کرده و برای نیل به این هدف در خلال حوادث آنها، داستانی عاشقانه که در آن عمدتاً دو جوان از طبقه بالادست جامعه دل باخته هم شده اند قرار می دهد، و دیگر ارکان داستان را حول محور این قضیه می چیند. این داستان ها در سال های اخیر منتقدان و طرفداران خاص خود را داشته است و پژوهش در صحت و سقم دلایل هر کدام از طرفین در نوع خود می تواند ارزش مند باشد. اولین داستان او به نام

«المملوک الشارد» در سال ۱۸۹۱ و آخرین آنها به نام «شجره الدر» در سال ۱۹۱۴ تألیف شده است. موضوع این بیست و دو رمان به طور عمومی تاریخ اسلام و مسایل مربوط به آن می باشد. (المحص، ۲۰۰۴: ۳۰-۱۰)

شایان ذکر است پدیده تناس قرائی در میان تمامی این بیست و دو داستان بوضوح و کثرت مورد استفاده قرار گرفته است. لذا از آنجاکه بررسی همه این بیست و دو داستان در این مجال مختصر نمی گنجد به طور تصادفی دو داستان "ابومسلم الخراسانی" و "استبداد الممالیک" انتخاب شده اند.

۳- بینامتنی در ادبیات:

احتمالاً نخستین بار "ژولیا کریستوا" در دهه ۱۹۶۰ م در ترجمه تعبیر میخائیل میخائیلویچ باختین از منطق گفتگویی (dialogism) که او آن را در دهه ۱۹۳۰ ابداع کرده بود اصطلاح بینامتنیت را به کار برد. (رسولی، ۱۳۸۹: ۲۸) البته این بدان معنی نیست که او برای نخستین بار چنین مفهومی را ارائه کرد است. (ساسانی، بی تا، ۱۷۳) و برای اولین بار ویکتور اشکولوفسکی در مقاله "هنر به مثابه تمهید" مناسبات بینامتنی را مطرح کرده بود. از نظر ژولیا کریستوا تناس یعنی تداخل یک متن در متن دیگر و در اصل یک متن با تکیه و اعتماد بر متون پیشین خلق می شود. (سیفی، ۱۳۹۰: ۷۲؛ سلطان، ۲۰۰۴: ۵۱؛ احمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۸) به این ترتیب هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست بلکه اثر او بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران اوست. بارزترین ویژگی بینامتنی، ارتباط تنگاتنگ معنا و ساختار میان متون کلاسیک و معاصر است و از طریق این پیوند میان گذشته و حال است که حال بارور و غنی می شود. با در نظر گرفتن چنین رویکردی به متون، می توان گفت که یک اثر ادبی، ریشه در نظام درهم تنیده متون داشته و آفریننده خاصی ندارد. (مختاری، ۱۳۹۱: ۱۷۱) و به مدد بینامتنی می توان ارتباط موجود میان آثار گوناگون ادبی را آشکار ساخت. زیرا هیچ گفته ای نمی تواند بی ارتباط با گفته های دیگر باشد و هر متنی خواسته یا ناخواسته با متون دیگر نوشته می شود و با متون دیگر خوانده می شود. (مسبوق، ۱۳۹۱: ۲۷)

این اصطلاح، به عنوان یک پدیده رایج در نقد ادبی، مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست بلکه گفتگو و پیوندی دو سویه و تنگاتنگ میان سایر متون گذشته با متون امروزی و متون امروزی با متون آینده دارد. (مدرسی، ۱۳۹۰: ۶۴). در این نظریه به رابطه هر متن با دیگری توجه می شود که به لحاظی با آن سنخیت داشته باشند. از این نظرگاه، گفتمان موجود در هر متنی با گفتمان های موجود در متون دیگر در همان رابطه قرار می گیرند که "سوسور" میان زبان و گفتگو برقرار کرده است. بدین معنی که شرط درک هر گفتمان آگاهی از گفتمان های هم نسخ آن است. (همان، ۶۵) این اصطلاح در نقد ادب عربی سابقه چندانی ندارد. ولی مباحث و موضوعات و اشکال تناس از قدیم نزد آنها پیشینه دیرینه ای داشته و به حدود قرن دوم بر می گردد. و از این پدیده تحت عناوینی چون اقتباس، تضمین، سرقت ادبی، معارضه و ... یاد می کردند. (سیفی، ۱۳۹۰: ۷۳) منتقدان معاصر نیز در برابر واژه (intertextuality) معادل واحدی ذکر نمی کنند و عده ای "تداخل النصوص"، عده ای "النصوصیه" یا "التنصیه" و "بین النصیه" و "التناس" را ذکر می کنند. اما اصطلاح اخیر بیش از همه رواج دارد. (طعمه الحلبي، ۲۰۰۶: ۶۶) هر بینامتنی دارای سه رکن اساسی است. متن حاضر، متن غایب، عملیات بینامتنی. حضور متن پنهان در متن حاضر به سه صورت انجام می گیرد که از آن به عنوان قواعد سه گانه بینامتنی یاد کرده اند. قاعده "اجترار" یا نفی جزئی: که در این نوع از روابط بینامتنی، مولف جزئی از متن غایب را در متن خود می آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است. و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد. (مسبوق، ۱۳۹۱: ۲۸؛ میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۶) این متن برگرفته از متن غایب می تواند یک کلمه یا یک جمله باشد. قاعده "امتصاص" یا نفی متوازی: یعنی اینکه شاعر یا نویسنده از مضمون یا جوهره فکری و اندیشه متن غایب بهره گرفته و در متن خود اقدام به بازسازی این جوهره فکری و مضمون و اندیشه بنماید، بدون آنکه در متن حاضر، حضور لفظی و صریح متن غایب را مشاهده کنیم (طعمه الحلبي،

۲۰۰۷:۱۹۱) این نوع از روابط بینامتنی از نوع قبلی برتر است. در واقع مؤلف با ایجاد نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر از معنای متن پنهان دفاع کرده است. (میرزایی، ۱۳۸۸:۳۰۶) تناص " کلی " یا نفی حوار: این نوع تناص که از آن به تناص " اسلوبی " نیز یاد شده است بدین معنی است که شاعر یا نویسنده با استفاده از آن، اقدام به تولید یک متن جدید می کند. البته احتمالاً در خلاف جهت حرکت متن پنهان، چه در زمینه ظاهری چه در زمینه معنوی و فکری. (طعمه حلبی، ۲۰۰۷:۲۰۳) این نوع بینامتنی، بالاترین درجه بینامتنی است زیرا مولف در آن، متن پنهان را بازآفرینی کامل می کند و به گونه ای در خلاف متن پنهان به کار می برد و معمولاً این امر ناخود آگاه روی می دهد. درک این نوع روابط بینامتنی به تلاش فکری زیادی لازم دارد تا لایه های زیرین متن کشف و ناگفته های آن روشن شود. (میرزایی: ۱۳۸۸:۳۰۷).

بر اساس نظریه تناص، برخی متون معاصر عربی را مشاهده می کنیم که رویکرد ویژه ای به متون دینی و در صدر آنها قرآن کریم داشته اند. نویسنده این متون جهت بیان مقصود خود و نیز گاه که در بیان تغییرات خویش ناتوان مانده و یا قصد آن داشته که بر ادبیات خویش جلوه قداست ببخشد از این منبع لایزال بهره گرفته است. چرا که این امر خودبخود در مخاطب موثر واقع می شود. از جمله این متون، رمان های تاریخی جرجی زیدان، پیشگام اصلی رمان تاریخی در ادبیات عرب است. محمد حلمی القاعود در مورد تأثیرپذیری زیدان از متون دینی می گوید «تأثیرپذیری زیدان از متون دینی، امری بسیار واضح است این تأثیرپذیری اعم از متون اسلامی و غیر اسلامی است. آنچه از خلال داستان های تاریخی او جلوه گری می کند تأثیرپذیری او از قرآن کریم است. چنانچه خواننده با مراجعه به این داستان ها، گمان می کند بانویسنده ای مسلمان و سیراب گشته از متون قرآنی و روایی روبروست...» (القاعود، ۲۰۰۹:۳۷)

با توجه به اذعان جرجی زیدان مبنی بر اینکه علم و دانش هنوز مراحل کودکی خود را در جهان اسلام طی می کند و عرب با گذشته خویش آشنایی چندانی ندارد و بایستی جهت رفع این مشکل داستان هایی نوشت و از طریق آن، مردم را با گذشته خویش آشتی داد (حسن، ۱۹۷۰:۴۲) لذا عامه بودن مخاطبان این داستان ها، ضروری می نمود که عموماً زبان صریح و آشکار در آن ها بکار گرفته شود. بدین ترتیب انگیزه خلق و نوع مخاطبان این داستان ها، گونه خاصی از بینامتنی را می طلبد که در متن بدان اشاره و مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. (نجم، ۱۹۹۰:۱۸۸).

۴-رمان استبداد الممالیک:

ماجرای این رمان ۱۴۰ صفحه ای که در سال ۱۸۹۰ م به رشته تحریر درآمده است (صاوی، ۲۰۰۰م:۴۲۱) بدین قرار است که یکی از تاجران ثروتمند قاهره به نام عبدالرحمن تک فرزندی به نام حسن داشت و به سبب مبارزه سپاه مملوکیان با ارتش حجاز، بایستی به سپاه مملوکیان می پیوست. لذا پدر و مادر حسن، جهت ممانعت از الحاق وی به سپاه، با علی بک، حاکم مصر، مشورت و قرار بر آن شد پدر به جای پسر به سپاه ملحق شود. اما عبدالرحمن نیز از سپاه گریخت و علی بک، پس از اطلاع از این ماجرا، همسر و پسر او را به اسارت گرفت. عبدالرحمن پس از فرار باخبر شد که اعضای خانواده اش در نیل اعدام شده اند. تا این که در یکی از روزها به صورت اتفاقی با خادم خود به نام علی روبرو شده و نزد سید محروقی، یکی از اشراف مصر رفته و مطلع شدند همسر و فرزندش هر دو زنده اند. از این لحظه به بعد، تلاش ها برای یافتن آن دو آغاز و به نتیجه می رسد.

۵-رمان ابومسلم الخراسانی:

این اثر ۲۱۷ صفحه ای، دوازدهمین داستان تاریخی جرجی زیدان است که آن را در سال ۱۹۰۴ م به نگارش درآورده است (صاوی، ۲۰۰۰م: ۴۲۱) ماجرای داستان از آنجا آغاز می شود که ابومسلم به هنگام آغاز قیام بر علیه امویان از شهر مرو عبور و

طی دیدار با دهقان آن شهر، با دختر وی به نام گلنار روبرو و دل بسته او می گردد. اما پدر گلنار با ملاحظه اوضاع سیاسی، بر آن شد تا دخترش را به عقد علی کرمانی، پسر فرمانده اعراب درآورد. در این میان گلنار طی مشورت با ندیمه خویش به نام ریحانه و خادم خود ضحاک، علاقه‌مندی خود را به ابومسلم خبرداد. اما ابومسلم به سبب دوری از زنان و اشتغال به امور سیاسی به‌وی اطلاع داد که فعلاً قصد اختیار همسر ندارد. مدتی بعد ابومسلم، توسط ابراهیم، خادم خویش دریافت پدر گلنار قلباً به قیام او اعتقادی ندارد، لذا سریعاً او را به قتل رسانده و گلنار را به زندان افکند. در مقابل، گلنار و ریحانه و ضحاک با طرح نقشه‌ای، ابراهیم امام، بنیان گذار قیام علیه امویان و نیز سلیمان بن کثیر را به قتل رساندند. از این حادثه به بعد تقابل این دو طیف باهم بیشتر و بیشتر گردید تا اینکه ابومسلم پس از برچیدن تشکیلات امویان، به دربار منصور عباسی دعوت و توسط وی به قتل می رسد و وصال وی با گلنار نافرجام می ماند.

داستان های جرجی زیدان مطابق آنچه پیش تر بدان اشاره شد به گونه های مشخصی با قرآن تعامل دارند که به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرند.

۱- بینامتنی ترکیبی:

در این نوع روابط بینامتنی، شاعر یا نویسنده جزئی از آیه یا کل آن را در متن خود می آورد. که به دو نوع بدون تغییر و تغییر در لایه های صرفی و نحوی تقسیم می شوند.

نوع اول: همان طور که گفته شد در این نوع، عین متن قرآنی به کار رفته است. این نوع از بینامتنیت به طور

چشم گیر، در داستان های جرجی زیدان به کار رفته است و در اینجا با ذکر نمونه هایی آن را شرح می دهیم:

در داستان «استبداد الممالیک» آنگاه که عبدالرحمن با حالت یأس و اندوه خبر پیوستن حسن به سپاه را با سید محروقی مطرح می کند با دل داری او مواجه می شود که گفت: «صبراً یا أخی، فالعقیبی للصابرین، ولا تحسبن الله غافلاً من ظلم هولاء القوم» (استبداد الممالیک، ۲۶) این عبارت متن آیه ۴۲ سوره ابراهیم را یادآور می شود که در آن خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «... لا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون» رابطه بینامتنی این دو عبارت با هم دیگر بدین صورت است که گر چه ظالمان اینک فرصتی در اختیار دارند تا در آن بتوانند هرگونه ظلم و ستمی را انجام دهند ولی این گونه نیست که به حال خود رها شده باشند و حساب همه را خداوند متعال دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ : ۳۷۴/۱۰) بنابراین این رابطه بین دو متن از نوع نفی جزئی است.

مورد دیگر آنجاست که عبدالرحمن پس از روبروشدن با خادم خود، مدتی در مسجد قاهره پنهان شده و او را چنین خطاب کرد: «... لا داعی لخروجنا فلنبق هنا و عند الصبح يفعل الله ما يشاء» (استبداد الممالیک، ۱۰۹) جمله پایانی عبارت مذکور آیه ۲۷ سوره ابراهیم را خاطر نشان می سازد که فرموده است: «... یتبئ الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخره و یضیل الله الظالمین و يفعل الله ما یشاء» رابطه بینامتنی این دو عبارت آنجاست که در هر دو، سخن از مصلحت در انجام کار، داشتن عقیده ای ثابت و سپردن نتیجه کار به خداوند است بنابراین نوع بینامتنی از نوع نفی جزئی است.

در ادامه این داستان، آنگاه که عبدالرحمن به همراه علی به صورت منجم در مسجد قاهره ساکن شده و مردم برای رهایی از ظلم و ستم ممالیک از وی طلب نذر نمودند. خطاب بدانها و با هدف ایجاد روحیه امید بدانها گفت: «... و یدگرهم بأن الله لیس بغافل عما یفعل الظالمون و کله یوخرهم لیوم یأخذهم فیہ أخذ عزیز مقتدر» (استبداد الممالیک، ۶۰). ابتدای این عبارت یادآور آیات ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ نمل می باشد، و جمله پایانی آن آیه ۴۲

سوره مبارکه قمر را در ذهن مجسم می سازد که در آن خداوند متعال در مورد فرعون و ناسپاسی های وی فرمود: «كذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ»

در متن حاضر جرجی زیدان ظلم ها و بی عدالتی هایی را که حکومت ممالیک در حق مردم روا داشته بودند بیان داشته و در برابر آن تظلم و دادخواهی مردم را از خداوند تبیین نموده است. او با استفاده از حجم وسیعی از عبارت ها و واژه های قرآنی در لابلای داستان که در آن ها از شاهد بودن خداوند از اعمال بدکاران و حسابرسی بدانها سخن رفته به خوبی فضای اختناق و تباهی های حکومت مملوکیان را نشان داده و از زبان شخصیت های داستان، جملاتی را آورده که در آنها کلیه اعمال و رفتارهای دولت ظالم را به خداوند محول می سازد و از خداوند می خواهد که آنان را به سزای خویش برساند او در این داستان، حکومت ممالیک را به حکومت فرعون و مردم آن را به مردم تحت حاکمیت فرعونیان تشبیه کرده و بخوبی بین این دو پیوند برقرار ساخته است. بنابراین رابطه میان دو متن از نوع نفی جزئی است.

همچنین آنگاه که عبدالرحمن و علی از مسجد قاهره خارج شده و با دیدن یکی از اهالی دمشق، اوضاع آن شهر را از وی جویا شدند با شکایت او از حکومت مملوکیان روبرو شدند که می گفت: «... و سَوْفَ نُدَافِعُ عَنْ بِلَادِنَا تَحْتَ رَايَةِ مَوْلَانَا الْخَلِيفَةِ الْمُعْظَمِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (استبداد الممالیک، ۹۶)، متن غایب آیه ۱۲۶ سوره مبارکه آل عمران است: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ؛ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» لذا عملیات بینامتنی بدین صورت است که در هر دو متن حاضر و غایب، سخن از یاری به فرد نیازمند به کمک بوده است حال آنکه بیان شده، این عمل صرفاً یک ابزار بوده و گرنه به نتیجه رساندن این کمک ها و پیروزی تنها از سوی خدا محقق می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۸/۳) بنابراین زیدان با بهره برداری از مفهوم این آیه تصویر متن غایب را در متن حاضر عرضه نموده و با تغییراتی اندک در قالب متن حاضر جای داده است پس شکل تناص نفی متوازی است. شایان ذکر است عبارت پایانی این جمله از داستان، آیه مبارکه ۲۲۷ سوره شعرا را به نمایش می گذارد که در آن خداوند به سزای ستم کاران و عاقبت آنان اشاره نموده که بزودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز خواهند گشت. در این آیه، سخن در مقام دفاع از پیامبر در برابر تهمت های نارواست و با یک جمله پرمعنی تهدیدآمیز به دشمنان لجوج پایان می یابد (همان، ۴۰/۱۱۵) در اینجا هم نویسنده داستان باز با ذکر مملوکیان، دچار شدن به عذابی سخت را برای آنها پیش بینی می کند لذا نوع بینامتنی بکار رفته میان این دو عبارت از نوع نفی متوازی است. ناگفته نماند آنچه از آیات و واژه های قرآنی در لابلای جملات و عبارات این داستان، بکار رفته، به خوبی نشان از آگاهی و شناخت زیدان به مفاهیم و مضامین قرآنی است. به نظر می رسد او با هدف قداست بخشیدن به داستان های خود و اثبات چیره دستی اش در نویسندگی، آیات و اندیشه های قرآنی را زینت بخش داستان های خود قرار داده تا علاوه بر تاثیرگذاری عمیق تر بر مخاطب، بر غنای اثر خویش نیز افزوده باشد. در بررسی محتوای رمان «ابومسلم خراسانی» نیز کاربرد شواهد قرآنی به وضوح پیداست. در این داستان آنگاه که گلنار و ریحانه، ضحاک را با هدایایی نزد ابومسلم فرستادند تا علاقه مندی گلنار را به وی ابلاغ کند، خطاب به ابومسلم می گوید: «... قَدْ أَتَيْتُ مَوْلَايَ الْأَمِيرَ فِي مَهْمِهِ سَرِيهٍ أَرْجُو أَنْ يَكْتُمَهُمَا لَوْجِهِ اللَّهِ وَ أَنَا رَسُولٌ وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ» (ابومسلم خراسانی، ۵۰) متن غایب، آیه ۱۸ سوره مبارکه عنکبوت است که می فرماید: «وَ إِنْ كَذَّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَّمٌ مِنْ قَبْلِكَمْ وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» این آیه خطاب به حضرت ابراهیم (ع) است که در آن خبر از آوردن پیام می دهد ولی احتمال تکذیب آن وجود دارد ولی آنچه خبر آورده، صرفاً یک فرستاده است و هیچ مسئولیتی بر عهده او نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۶/۱۷۲) و محتوای این عبارت داستان نیز، همان پیام آوری و عدم مسوولیت بر پیام آور و ابراز وظیفه ابلاغ براوست که کاملاً از لحاظ لفظ و مضمون متحد با متن غایب است. بنابراین نوع بینامتنی نفی جزئی است.

همچنین آنگاه که ابومسلم به همراه نقیبان در حومه شهر مرو تجمع نموده و دعوت خویش را علنی ساخت با این جمله آنها را به قیام فراخواند: «... أَدْنُ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ...» (ابومسلم، ۷۲)؛ به وضوح این عبارت اشاره به

آیه ۳۹ سوره مبارکه حج است که فرموده است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظُلْمُوا وِإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ رابطه بینامتنی بدین شرح است که در متن حاضر روی سخن ابومسلم با طرفداران خویش است که به سبب ظلم و ستمی که امویان، طی سال ها در حق مسلمین انجام داده بودند اجازه جهاد بر آنها داده شده و خداوند در یاری و پیروز ساختن آنان قادر و تواناست و در متن غایب نیز هنگامی که مسلمانان در مکه پیوسته توسط مشرکان مورد آزار و اذیت واقع می شدند نزد پیامبر (ص) رفته و از ایشان تقاضای جهاد می کردند تا این که خداوند این آیه را نازل و با اجازه جهاد بدان ها، پیروزی را برای آنها مقدر ساخت. بنابراین زیدان با استفاده از مضمون و لفظ آیه مذکور، آن را در مورد ابومسلم و طرفداران خویش بکار برده است. بنابراین نوع رابطه بینامتنی، نفی جزئی است. لذا پیداست که نویسنده به منظور ترسیم صحنه های داستانی و افزایش ضریب تأثیر کلامی از زبان شخصیت های داستانی، با حفظ سیاق و ساختار آیات قرآنی به طور کامل و گاه با تغییراتی اندک به شکل هنری، موقعیتی را ایجاد کرده که وجهه خاصی به فضای داستان بخشیده است. او در اکثر موارد در بینامتنی دینی و قرآنی، نمونه های کاملاً متناسبی اختیار، و با این اقدام مراعات جایگاه و شأن امور قدسی را آن گونه که هست انجام داده است.

در ادامه ضحاک برای اعلان خبر مرگ پدر گلنار به او چنین گفت: «... انا لله و انا اليه راجعون» (همان، ۱۶۶) این جمله اشاره به آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره دارد که در آن خداوند همه را از سوی خدا و به سوی او می داند و از لحاظ واژگانی نیز با آیات ۴۶ سوره بقره، ۹۳ انبیاء و ۶۰ مومنون ارتباط دارد. که در بررسی رابطه عملیات بینامتنی این دو متن ملاحظه می کنیم که هر دو در موقعیت ابراز خبر مرگ و حرکت بنی آدم به سوی خالق هستی، بیان شده است. شایان ذکر است مجموع این آیات و تناسب آن با عبارت داستان در توجه به این واقعیت است که از زوال نعمت ها هرگز ناراحت نشویم و همه این مواهب بلکه خود ما به خدا تعلق داریم یک روز می بخشد، روز دیگر از ما می گیرد و هر دو صلاح ماست. لذا نوع بینامتنی نفی جزئی است.

مدتی بعد از آنکه گلنار و ریحانه به پیشنهاد ضحاک از محل اقامت خویش خارج شدند ضحاک خطاب به آنها گفت: «... حتی يَقْضِي اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا» (همان، ۱۹۶)؛ آنچه از متن غایب در ذهن مجسم می شود آیه ۴۴ سوره مبارکه انفال است: «إِذِ اتَّقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَّ يُقَلِّكُم فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَّ إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ»

عملیات بینامتنی میان دو متن بدین صورت است که وقتی ضحاک و گلنار و ریحانه، پس از کشته شدن دهقان بواسطه ابومسلم، همه خدم و حشم خویش را از دست دادند و قدرتشان را در برابر قدرت روزافزون ابومسلم ناچیز یافتند و سرانجام امیدی برای پیروزی در برابر وی بر خود نمی دیدند، زیدان برای ترسیم این صحنه، با مهارت تمام، عبارتی از آیه مذکور را بکار بسته است که در آن خداوند خطاب به پیامبر(ص) فرمود: «اندک بودن تعداد خویش را در برابر مشرکان به یادآور که علی رغم تعداد اندکی که داشتید، شما را بر آنان غلبه داد لذا با کنار گذاشتن یاس و هراس (بدانید) کاری که خداوند لازم است انجام شود، محقق خواهد شد.» بنابراین مشاهده می کنیم که بینامتنی موجود از نوع نفی متوازی است.

در ادامه این ماجرا ضحاک با ملاحظه هراس و یأس و بی تابی گلنار دوباره او را در مورد خطاب و چنین گفت: «... فاصبري قليلاً و الله مع الصابرين» (همان، ۱۹۶)، در نتیجه می بینیم که این جمله به وضوح دلالت بر تاثیرپذیری لفظی و محتوایی از آیه ۲۴۹ سوره مبارکه بقره دارد که در آن از مقام ایجاد روحیه امید و تبلیغ توکل در میان مومنان سخن به میان آمده است: «مِنْ فَتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَئْتَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَّ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» پس بینامتنی از نوع رابطه نفی جزئی است.

۲- بینامتنی ترکیبی (نوع دوم)

-نوع دوم بینامتنی ترکیبی، آن است که نویسنده یا گوینده، بخشی از آیه قرآنی را با ساختار تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در سخن خود به کار گیرد و بدین وسیله، به شکل های گوناگون، در ساختار دخل و تصرف کند. گاه با افزودن و گاه با کاستن، دمی با تغییر و دمی با تأخیر (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۳، مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۳) دایره واژگانی جرجی زیدان به سبب تألیفات و تحقیقات فراوانی که به طور عموم در موضوعات مختلف و بویژه در متون و تاریخ اسلامی داشته است بسیار گسترده است؛ آشنایی او با آیات قرآنی و تاثیر روانی و بیانی آن، صرفاً به ذکر عین یا قسمتی از یک آیه محدود نمی شود او گاه در یک جمله ای که میان دو شخصیت داستانی رد و بدل می شود. با چینش الفاظ و مفردات قرآنی در لابلای جملات آنها رنگ و بوی خاصی به عبارت داستانی می دهد. در داستان «استبداد الممالیک» هنگامی که همسر عبدالرحمن به اسارت گرفته و در کارهای سخت گماشته شد توسط نفسیه همسر حاکم مصر مورد دلجویی واقع شد: «... هذا أقل ما يجبُ يا أختي، و إني أدعو الله أن يوفقني الي ما يُخففُ كربك، نهُو مُفرجُ الكُروبِ و رَحْمَتُهُ و سَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (استبداد الممالیک، ۴۵) لذا جمله اخیر عبارت آیات ۱۵۶ سوره اعراف و ۷ سوره غافر را در ذهن حک می کند که می فرماید: «لا و اکتب لنافی هذه الدنیا حسنة و فی الآخره إنا إلیک قالَ عذابى أصیبَ به منَ أشاء و رَحْمَتى و سَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» و نیز می فرماید: «... الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ و مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و يُؤْمِنُونَ بِهِ و يُسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةٌ» بنابراین زیدان عبارت قرآنی را با همان معنا و لفظ بکار بسته است با این تفاوت که در مقایسه با آیه اول «رحمتی» را به صورت «رحمته» تغییر داده و در مقایسه با آیه دوم «رحمة» را که تمییز است به صورت مبتدا بکار گرفته است بنابراین بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

در داستان «ابومسلم الخراسانی» نیز، پس از کشته شدن پدر گلنار، ابوسلمه و ضحاک مصمم به انتقام گیری از ابومسلم شدند، ضحاک در قبال هدیه ای که از ابوسلمه گرفت بدون چنین گفت: «... إني أقومُ بهذا الأمرِ لوجهِ الله و لا أبتغي عليه أیَّ جزاءٍ» (ابومسلم الخراسانی، ۱۶۸) که به نظر می رسد بتوان این جمله را با توجه به واژه هایی که در آن استفاده شده با آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره مبارکه «اللیل» مرتبط و هم مضمون دانست که فرموده است: «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ و يَتَزَكَّى و مَالًا أَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى»؛ آنچه در تفسیر آیات مذکور آمده است این که پرهیزکاران هر عملی انجام می دهند صرفاً به خاطر کسب خشنودی پروردگار است و ریا و نفاق در آن نیست اما زیدان این عبارات قرآنی را در مورد شخصی به نام ضحاک که فردی ریاکار و منافق بود و در اصل جزء شخصیت های منفی داستان تلقی می شود بکار بسته است. لذا با استفاده از مضمون آیه تصویری را که در داستان مدنظر داشته، رنگ آمیزی کرده است. هر دو متن حاضر و غایب مفهوم عدم چشم داشت در برابر انجام عمل کسب رضایت پروردگار را دارند. بنابراین بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

خلاصه پس از آنکه ضحاک و گلنار و ریحانه از بیم ابومسلم پا به فرار نهادند، ابراهیم خادم ابومسلم، با قیافه ای مبدل نزد آنان رفته و اطلاعاتی از آنها کسب نمود، ضحاک با اطلاع از این قضیه متحیر و هراسان چنین گفت: «... لاحول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم» (همان، ۱۸۵)؛ در این عبارت نیز واژه هایی از آیه ۳۴ سوره مبارکه کهف بکاررفته که می فرماید: «و لو لا إذ دخلت جنتک قلتَ ماشاء الله و لا قوه الا بالله إن ترن أنا أقلُّ منک مالا و ولداً» این آیه مبین این حقیقت است که اگر انسان ها دارای چنین موقعیت و حال و اوضاعی هستند همه کار و قدرت خدا بوده که در اختیار ما نهاده است ما از خود هیچ نداریم و بدون او هیچ هستیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۷۳/۱۲) موقعیت بیان این عبارت از داستان نیز همان است که در آیه شریفه است لذا بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

۳- بینامتنی مضمون:

در گونه های پیشین، حضور متن غایب در متن حاضر، کم و بیش با محوریت لفظ بود؛ اما در این گونه از روابط بینامتنی، نویسنده یا گوینده با الهام گرفتن از آیه ای قرآنی و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعبیرهای خود بیان می کند، به گونه ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح از قرآن را نمی بیند. (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۸)

لذا در مورد استعمال این نوع بینامتنی در رمان های مذکور بایستی اذعان کرد که شواهد مثال آن بسیار نادر و کم‌یاب است به نظر می‌رسد بایستی علت را در سلیقه و سبک نویسندگی جرجی زیدان جستجو کرد. او در حقیقت یک مورخ و روزنامه نگار بود تا یک ادیب، لذا در کتب و جراید خویش با مردم به زبانی صحبت می‌کرد که بتوانند براحتی آن را بفهمند لازمه فهم این نوع بینامتنی دقت در محتوا و مضمون عبارت و برداشتن لایه های اولیه از پیکره متن و غور در عمق آن است (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۳) که عامه بودن مخاطبان این داستان ها، تقریباً با این نوع بینامتنی. سازگاری چندانی ندارد. محمد یوسف نجم درباره سبک نویسندگی جرجی زیدان می‌گوید: « او از انتخاب زبان نویسندگان نثر فنی و شعر منثور گریزان بود و بدون هیچ تکلفی قلم خویش را آزاد می‌گذاشت... به زیباسازی کلمه و بازی با الفاظ واقعی نمی‌نهاد... نوشته های او به دور از هرگونه زیور بدیع و آرایش ها و توصیف های چند لایه و تودرتو می‌باشد. هدف او صرفاً به انجام رساندن اندیشه و رسیدن به مطلوب بود و بهترین وسیله برای نیل به این هدف، انتخاب زبان ساده و بی‌آلایش بود (نجم، ۱۹۹۰: ۱۸۸). لذا تنها عبارتی که بتوان آن را به عنوان شاهد مثال این نوع بینامتنی ذکر نمود جایی است که ضحاک با ابومسلم در مورد تبعیض‌های نژادی و قبیله ای امویان در برابر مسلمین صحبت می‌کند و می‌گوید: «... ثم قال: و أما المسلمون أخوة، و أما يتفاضلون بالتقوى و الجهاد...» (ابومسلم، ۹۰) که به نظر می‌رسد جمله اول با آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات ارتباط داشته باشد. که می‌فرماید: «أما المومنون إخوانهم فأصلحوا بين أخويكم و اتقوا لله لعلكم ترحمون» ولی جمله دوم با آیه ۱۳ همان سوره بینامتنی مضمونی دارند که می‌فرماید: « يا أيها الناس إنا خلقناكم من ذكرٍ و أنثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنا أكرمكم عندالله أتقاكم إنا الله علیمٌ خبیرٌ» این آیه بر تمام امتیازات ظاهری و مادی خط بطلان می‌کشد و اصالت را به پرهیزکاری می‌دهد و به وضع خانوادگی و نسب افراد و به اموال انسان ها نگاه نمی‌کند و برای محبوب بودن و نزدیک شدن به خدا بایستی تقوی را ملاک قرار داد. لذا با دقت در عملیات بینامتنی میان متن حاضر و غایب، هر چند لفظی از متن غایب مشاهده نمی‌شود ولی متن حاضر با الهام از مضمون متن غایب خلق شده است که نوع آن را می‌توان نفی کلی نامید.

۴- بینامتنی واژگانی:

الفاظ ماده اولیه ای هستند که هر نویسنده ای به وسیله آن، تصویرهای ذهنی خود را بیان می‌کند. (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۶) قرآن، منبع و سرچشمه ای غنی است که زیدان، در واژه سازی ها، تصویر پردازی ها ابراز معانی والا و ... از آن بهره گرفته است. به عنوان مثال در داستان « ابومسلم الخراسانی» آن‌گاه که قرار شد گلنار به طور مصلحتی به عقد علی کرمانی درآید، ریحانه با دلداری دادن به وی چنین گفت: «... دعی ذلك إلى تقدير العزيز الحكيم و إن غداً لناظره قريب» (ابومسلم الخراسانی، ۸۶) که عبارت « عزیز حکیم در سیزده مورد از آیات ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۶۰، سوره بقره؛ ۱۰، ۴۹، ۶۳، ۶۷، سوره انفال؛ ۴۰ و ۷۱ سوره توبه؛ ۲۷ لقمان؛ ۳۸ مائده بکار رفته است. مهم این که در تفسیر آیات مزبور می‌بینیم همگی در مقام امیدبخشی و القاء این نکته مهم است که اگر مشکلی برای کسی ایجاد شود خداوند از باب حکمت خویش آن را مرتفع خواهد نمود. بنابراین بینامتنی میان دو متن از نوع نفی جزئی است.

به هر حال ملاحظه می‌کنیم وجهه دینی یکی از محورهای اصلی داستان های تاریخی جرجی زیدان به حساب می‌آید چرا که اتکاء به این خصلت دارای قدرت تأثیر درونی و اقناع ذهنی مخاطبان می‌باشد. در این میان قرآن کریم به طور خاصی ایفای نقش نموده و نویسنده به خوبی، در زمان و مکان مناسبی از آن بهره گرفته است چرا که فصاحت و بلاغت الفاظ و مفاهیم قرآنی، خود به خود بر فصاحت و بلاغت این داستان ها افزوده است. هر چند منبع الهام بودن قرآن کریم برای ادیبان و نویسندگان نیازی به توضیح بیشتر ندارد اما نحوه استفاده از این منبع تمام نشدنی، نشان از میزان توانایی ابداعی و خلاقیت آنان دارد و متن قرآنی به کار رفته در میان آثار اینان هر چند مختصر و کم، به چنان هدفی می‌تواند دست یابد که کتب و رسالات بسیار طولانی و مفصل از دست‌یابی بدان باز ماندند. لذا جرجی زیدان گم شده بیان هدف و قدرت تأثیری داستان های خویش را در قرآن یافته است. این پدیده حکایت از ایمان او به قرآن کریم به عنوان یک متن مقدس و تأثیرگذار دارد که معانی

و مفاهیم بسیار موثر را بر مخاطب القاء می‌کند. آنچه از تناقض قرآنی در داستان های زیدان به طور عام و به طور ویژه در دو داستان مذکور مشاهده می‌شود صرفاً آرایش کلامی و ظاهری داستان نیست بلکه یک ضرورت معنوی بوده که زیدان را بر آن داشته به آیات و واژه های قرآنی پناه ببرد و این آیات و الفاظ کاری می‌کنند که هیچ جمله و اصطلاح دیگری توان محقق ساختن آن را ندارد.

۶- نتیجه گیری

۱- بابررسی شواهد قرآنی به کار رفته در داستان های جرجی زیدان مشاهده می‌کنیم که وی با مفاهیم و مضامین قرآنی آشنایی زیادی داشته است و متناسب با حال و هوای صحنه ها و حوادث داستان از زبان شخصیت های داستانی عبارت و آیه ای متناسب از قرآن را جهت اقناع و ایجاد ضریب تأثیری بیشتر به کار گرفته است .

۲- غالب و یا به جرأت می‌توان گفت همه تناسبات های قرآنی موجود در داستان های تاریخی جرجی زیدان، از نوع نفی جزئی و متوازی بوده است که یا یک آیه کامل و یا قسمتی از آن واژه ها و مفردات آنرا به کار برده است که به نظر می‌رسد باید علت این تناسبات را در عامی بودن مخاطبان این داستان ها دانست چرا که نفی کلی، بیشتر محتوایی و غیر ظاهری است و درک آن نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد که عوام از این توانایی عموماً بی بهره اند . و یا می‌توان گفت علت انتخاب این تناسبات، موضوع این داستان ها و سبک نوشتاری جرجی زیدان که یک سبک روزنامه نگارانه بود می‌باشد . موضوع این داستان ها به دلیل اینکه اغلب تاریخی است و از وجهه سیاسی عمدتاً دورند، نیازی به استفاده از تناسبات کلی در آنها احساس نمی‌گردد .

۳- علیرغم آنکه جرجی زیدان، آشنایی گسترده ای با زبان عربی داشت و از منابع تاریخی و زبان شناسی در ادب عربی آگاهی بسیاری داشت به منظور اقناع مخاطب و زیباسازی لفظی و معنوی داستانهای خویش از امثال و حکایات تاریخی استفاده چندانی نکرده و بجای آن از الفاظ و واژه های قرآنی بهره گرفته است، چرا که او به متون قرآنی به عنوان یک متن مقدس معتقد و از میزان تأثیر و نفوذ آن در جان مخاطب آگاهی کامل داشت .

۷- فهرست منابع

۱. قران کریم
۲. احمدی، بابک، ۱۳۸۶: ساختار و تأویل متن، چاپ نهم، نشر مرکز، تهران
۳. پروینی، خلیل و هومن ناظمیان، ۱۳۸۵، «جایگاه جرجی زیدان در داستان نویسی معاصر عربی»
۴. حسن، محمد عبدالغنی، ۱۹۷۰، جرجی زیدان، الهیئه المصریه العامه للتألیف و النشر، قاهره
۵. حمداوی، یوسف، ۲۰۰۷، روایات جرجی زیدان، اتحاد الکتاب العربی، دمشق
۶. رسولی، حجت و مصطفی زرگانی، ۱۳۹۱، «التناسبات القرآنی فی شعر حسان بن ثابت الأنصاری» مجله دراسات فی نقد الادب العربی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵، ص ۲۴-۲۷
۷. زیدان، جرجی، ۱۹۹۸، ابومسلم الخراسانی، المكتبه العصریه، بیروت

۸. زیدان، جرجی، ۲۰۰۷، استبداد الممالیک، المكتبه العصریه، بیروت
۹. زیدان، جرجی، ۱۳۸۶، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران
۱۰. ساسانی، فرهاد، بی تا، «بینامتنیت، پسینه و پیشینه آن» مجله نقد و هنر، شماره پنجم و ششم، اردیبهشت
۱۱. سلطان، منیر، ۲۰۰۴: التضمین و التناص، منشأ المعارف، اسکندریه
۱۲. سیفی، طیبه، ۱۳۹۱، «بینامتنی اضعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم»، مجله پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، سال دوم، شماره ۲، تابستان و پاییز، ص ۷۹-۷۱
۱۳. صاوی، محمود، ۲۰۰۰، کتابات جرجی زیدان، دارالهدایه للنشر، بیروت
۱۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۶، تفسیر المیزان، نشر علمی - فرهنگی، تهران
۱۵. طعمه حلبی، احمد، ۲۰۰۷، التناص بین النظریه و التطبيق، منشورات الهیئه العامه السوریه للکتاب، دمشق
۱۶. عباس زاده، حمید، ۱۳۸۹، اقتباس های قرآنی در نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال اول، شماره اول، ص ۶۷-۸۳
۱۷. القاعود، حلمی محمد، ۲۰۰۹، الروایه التاريخیه فی أدبنا الحدیث، دارالعلم و الایمان للنشر، دسوق
۱۸. قائمی، مرتضی و فاطمه محقق، ۱۳۹۱، «بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی»، مجله پژوهش های میان رشته قرآن کریم، سال دوم، شماره ۲، تابستان و پاییز، ص ۵۹-۵۱
۱۹. المحص، عبدالجواد محمد، ۲۰۰۴، روایات جرجی زیدان، مکتبه النهضه المصریه، اسکندریه
۲۰. مختاری، قاسم و سجاد عربی، ۱۳۹۱، «بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر السباب» مجله ادب عربی، دانشگاه تهران، شماره ۴، سال چهارم، ص ۱۸۹-۱۶۹
۲۱. مدرسی، فاطمه، ۱۳۹۰، فرهنگ توصیفی نقد و نظریه های ادبی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
۲۲. مسبوق، سید مهدی و حسن بیات، ۱۳۹۱، «بینامتنی قرآنی در اشعار احمد شوقی» مجله نقد و ادب معاصر عربی، دانشگاه سزد، سال دوم، شماره ۲، ص ۲۵۰-۲۵
۲۳. مسبوق، سید مهدی، ۱۳۹۲، «روابط بینامتنی قرآن و نهج البلاغه»، مجله تحقیقات علوم و قرآن حدیث، دانشگاه الزهراء سال ۲، شماره ۲، ص ۲۲۴-۲۰۵
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران
۲۵. میرزایی، فرامرز و ماشاءاله واحدی، ۱۳۸۸، «بینامتنی قرآنی با اشعار احمد مطر» مجله علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵، بهار، ص ۳۸۵-۳۰۶